

بررسی منع شکنجه در حقوق اسلام و ایران

گردآورنده:

محمدجواد شجاعی واژنانی

اریبهشت 1395

تقدیم بر پدر و دستان پر مهر مادر

خدای را بس شاکرم که از روی کرم پدر و مادر فداکاری نصیبم ساخت تا در سایه ی درخت پر بار
وجودشان
بیاسایم و از ریشه آنها شاخ و برگ گیرم و از سایه وجودشان در راه کسب علم و دانش تلاش نمایم.

والدینی که بودنشان تاج افتخاری است بر سرم و نامشان دلیلی است بر بودنم ، چرا که این دو وجود پس از پروردگار مایه هستی ام بوده اند ، دستم را گرفتند و راه رفتن را در این وادی زندگی پر فراز و نشیب آموختند.

الف

(من لم یشکر المخلوق لم یشکر خالق)

لازم می دانم از همه عزیزانی که در این دوره از تحصیل حامی و پشتیبان ما بودند و مارادر امر نگارش این تحقیق یاری نمودند تشکر و قدردانی نمائیم.

بی کرانه ترین سپاس ها نثار خانواده ام، بزرگترین موهبت زندگی ام، که لحظات ناب باور بودن ، لذت غرور دانستن، جسارت خواستن، عظمت رسیدن و تمام تجربه های یکتا و زیبای زندگانی ام ، مدیون حضور سبز آنهاست.

از خداوند عزت و سربلندی را برایشان مسئلت داریم.

چکیده :

تحقیق حاضر به منظور بررسی منع شکنجه در شریعت اسلام و حقوق ایران صورت گرفته بهمین منظور در این مطالعه ضمن توجه به موقعیت برجسته منزلت انسانی در معرفت دینی که بسیاری از تاسیسات حقوق اسلامی را تحت تاثیر قرار داده تلاش شده تا دیدگاه هایی که فقهای اسلامی درباره ی ممنوعیت شکنجه مطرح کردند، بررسی گردد. در حقوق جمهوری اسلامی ایران شکنجه در بهترین وجه ممکن تقبیح و منع گردیده است. در نظام حقوقی اسلام شکنجه نهی گردید و برای انجام آن کیفر تعیین شده است. همچنین قانون گذار در اصل 38 قانون اساسی ایران شکنجه را در ابعاد روحی و جسمی آن ممنوع کرده است.

کلید واژه : شکنجه ، حقوق اسلام، عدالت کیفری ، کرامت ذاتی ، امنیت قضایی و منع شکنجه

1. مقدمه

با نگاهی به تاریخ حیات بشر صحنه های تلخ، تجاوز به وضوح دیده می شود، در میان انواع تجاوز به حقوق انسان ها شکنجه آسیب شدیدی به حیثیت ذاتی کرامت انسانی وارد کرده است. شکنجه به عنوان ایراد آزار به متهمین، شهود و مطلعین جهت کسب اطلاعات یاروش خشونت آمیز مجازات مجرمین، دارای سابقه طولانی است.

شکنجه دارای انواع جسمی و روحی بوده که هر کدام از آنها به صورت مستقیم یا غیر مستقیم اعمال می شده، ادیان الهی و برخی از فیلسوفان و اندیشمندان از قدیم با شکنجه مخالفت می کردند ولی توسل به شکنجه همچنان ادامه داشت تا اینکه به تدریج توجه بیشتری به حقوق بشر و ایجاد نهاد های بین المللی باعث شد تا ممنوعیت شکنجه به عنوان یک جرم بزرگ و نا بخشودنی سعی در پیشگیری از آن داشته اند.

در راستای نیل به این هدف نهاد های بین الملل خاصی در جهت شناسایی موارد شکنجه و مقابله با آن وجود آمد که بعضی از این نهاد ها به طور اختصاصی مسئله شکنجه را مد نظر قرار داده اند و برخی دیگر ضمن حمایت از کلیت حقوق بشر به شکنجه نیز به عنوان یک جرم علیه بشریت نگریده و در صدد مقابله با آن برآمدند.

حقوق کیفری اسلام نیز بر مبنای احترام و کرامت و شرافت انسانی اعمال هرگونه ایذاء و اذیتی نسبت به انسان ها را مورد نکوهش قرار داده و بر اساس تعالیم مکتب اسلام هر نوع ایذاء و اذیت نامشروع نسبت به انسان ها به طور مطلق و بدون هیچ قید و شرطی حرام می باشد. نظام حقوقی ایران بر اساس تعالیم شرع مقدس اسلام، حکم به ممنوعیت شکنجه کرده و اقرار، شهادت و هرگونه اطلاعاتیکه به واسطه آن

بدست می آید را فاقد اثر دانسته است. در تحقیق حاضر سعی بر این است تا علاوه بر تبیین مبانی بین المللی و فقهی، اصل 38 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پاسخ داده شود.

2. تعریف شکنجه

2

شکنجه در اصل به مفهوم (شکستن، پیچیده و عذاب دادن دزد و گناهکار می باشد) (دهخدا ، 1377، 9، 14410). شکنجه در لغت به معنای هرگونه رنج، عذاب، عقوبت، آزار و ایذاء می باشد (معین، 2066، 2، 1364).

شکنجه ایراد آزار و اذیت به متهم و غیر متهم تا اقرار به بزه یا تعهدی کند (ترمینولوژی حقوق، جعفر لنگرودی، 1378، 2، 3301).

و در جایی دیگر، شکنجه را تحمیل رنج فیزیکی یا روحی بر شخص به منظور اخذ اقرار از او تعریف کرده اند. (Walker، 1980)

و در فقه اسلامی شکنجه تعریف نشده است در مصطلحات و الفاظ فقهی از شکنجه غالباً با واژه (التعذیب) بحث می شود. از لحاظ لغوی واژه التعذیب مصدر عذب، يعذب بوده و اصل عذاب در کلام عرب به معنی ضرب (زدن) می باشد و در تمامی عقوبت هایی که همراه درد و رنج به کار برده می شوند. این واژه برای امور شاقه و بسیار سخت و دشوار عاریه گرفته شده است. المنای هم این واژه را به معنی کثرت ضرب به وسیله شلاق تعریف کرده است. (ممنوعیت شکنجه ، در شریعت اسلام، وکی فقه)

شکنجه هر عملی است که نتیجه ی آن درد و رنج شدید جسمی یا روحی بوده و به طور عمدی بر دیگری واقع شده است. با این هدف که از وی یا شخص ثالث اطلاعاتی بدست آورده یا وادار به اعتراف شود، یا تنبیه در کاری که او انجام داده یا مظنون به ارتکاب آن بوده است. یا ترساندن یا اکراه و یا هر اقدام دیگری از صورت های ایذاء و رنج که منظور آن مبتنی تبعیض از هر نوع باشد، مشروط بر آنکه چنین درد یا رنجی بوسیله ماموران رسمی یا هر شخص دیگری که به عنوان وظیفه رسمی عمل کند اعمال شده، یا این گونه موافق آن یا سکوت مامور در برابر آن (Walker، 1994، 38، اقدامات همراه با به تحریض آن یا). تحمیل شده باشد)

3. مبانی ممنوعیت شکنجه در حقوق اسلام

نزدیکی آدمی به خدا و اعتقاد به کرامت و ارزش و بلای انسان به حقوق بشر در نظام اسلامی موقعیت برجسته و ممتازی بخشیده است. از آنجا که اسلام دین مبتنی بر فطرت است بر حمایت جدی از حقوق بشر اصرار ورزیده و رعایت آن را در زمره ی مهمترین واجبات به شمار آورده است.

با توجه به شرافت و منزلت انسان در معرفت دینی، هرگونه ایذاء و رنج بر دیگری ممنوع و ارتکاب هر رفتار موهنی که مغایر با شأن و منزلت انسان باشد را نهی کرده است. به موجب این دیدگاه حقوق جزا اسلامی ضمن توصیف مجرمانه شکنجه و اهانت به دیگران، ارتکاب آنرا مستلزم پیگیری جزایی دانسته و این حرمت را به همه ی انسان ها تسری داده است. (مجله ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره هفدهم، شماره اول، پاییز 1380، دکتر محمدهادی صادقی)

4. رویکرد اسلام نسبت به شکنجه

شکنجه در فقه دارای مفهومی عام تر از آنچه در حقوق امروزی چه در عرصه ی بین الملل چه در عرصه ی داخلی مطرح شده است می باشد .

هرچند ادله ی مختلف فقی و روح تعلیمات اسلامی صراحتاً بر ممنوعیت اعمال شکنجه دلالت دارد با این وجود بر اساس یه نظریه فقهی اعمال شکنجه در موارد خاص و در صورت وجود شرایط خاص جایز اعلام شده است.

5. مفهوم و جایگاه نظریه ی حرمت شکنجه در فقه

بر اساس این نظریه تحت هیچ شرایطی اعمال شکنجه جایز نبوده و اقرار، شهادت، یا هر امر دیگری که به واسطه ی آن تحصیل گردد باطل و فاقد اثر است، باید توجه داشت در صورت پذیرفتن این نظریه هیچ گونه توجیهی برای اعمال شکنجه قابل پذیرش نمی باشد و عمل در هر صورت حرام است. هرچند به ظاهر پذیرش شکنجه در حد محدود و در برخی شرایط اضطراری ممکن است کار گشا باشد ولی اطلاق نظریه

ممنوعیت اعمال شکنجه با توجه به تبعاتی که در پی پذیرش استثناء برای این قاعده به بار خواهد آورد به طور کلی ممنوع کرده است. (رنجبران، 150، مجتمع فرهنگی آیت الله طالقانی، 348)

6 . محتوا و مبانی اصل 38 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

6

اصل 38 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مهمترین مقرره ی قانونی در ارتباط با ممنوعیت شکنجه در حقوق داخلی ایران است. این اصل نسبت به موضوع ممنوعیت اعمال شکنجه موضع قاطع و بدون قید و شرطی دارد. (هاشمی، 1348، 316)

هرچند اصل 38 ق.ا صراحت در ممنوعیت شکنجه و عدم اعتبار اقرار، اطلاع، شهادت و سوگند ناشی از آن را دارد. (وکیل عسگری 98، 1383)

همچنین اصول 22، 23، 32، 36، 37، 39 نیز به طور ضمنی مسئله ی ممنوعیت شکنجه را مورد توجه قرار داده اند.

این اصل بر مبنای داشته های فقهی و براساس نظریه ی عدم جواز شکنجه به تصویب رسیده است. علاوه بر مبنای فقهی داشته های جهانی در ممنوعیت مطلق شکنجه نیز مبنایی برای تصویب این اصل بوده است

عمده ترین علت توجه و اهمیت اعمال منتج به شکنجه و آسیب و خسارتی است که پیروی ارتکاب آن بر کرامت انسانی وارد می گردد. بنابراین تصویب اصل 38 ق.ا از یک سو قواعد بین الملل و از سوی دیگر تعالیم مکتب اسلام مبنی بر تحریم شکنجه می باشد. (مبنای اصل 38 قانون اساسی ایران و تحلیل سیاست کیفری ایران در حمایت از آن، علی اکبر ایزدی فرد و همکاران)

7. حمایت کیفری از ممنوعیت شکنجه در حقوق ایران

طبق اصل 38 قانون اساسی بر مبنای نظریه مشهور و مقبول فقهای امامیه اقدام به ممنوعیت مطلق شکنجه می باشد که اجرای صحیح این اصل در جامعه محتاج به حمایت کیفری دارد، ممنوعیت شکنجه را می توان از دو دیدگاه مد نظر قرار داد.

اول: ممنوعیت مطلق شکنجه در قوانین ایران دوم: پیش بینی آن به عنوان یک جرم در قوانین کیفری ایران

با توجه به اینکه ایران در قرار دادها و کنوانسیون های بین المللی متعددی ممنوعیت شکنجه را مورد توجه قرار داده است پیوسته است. قانونگذار ایران در سطوح مختلف قانون گذاری به اصل ممنوعیت شکنجه توجه زیادی دارد که مهمترین مقرره ی قانونی در ارتباط با ممنوعیت شکنجه در حقوق داخلی ایران اصل 38 قانون اساسی می باشد که براین اساس (هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاعات را ممنوع و چنانچه شخص را مجبور به شهادت، اقرار یا سوگند نمایند، چنین شهادت، اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.)

همچنین از مهمترین قوانین که به این امر اشاره دارد قانون احترام به آزادی مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب سال 1383 مجلس شورای اسلامی می باشد که در این ماده واحده ممنوعیت اعمال

شکنجه مورد توجه قرار گرفته است که در بند های 6، 7، 9 این ماده به ممنوعیت شکنجه اشاره کرده است و از دیدگاه نظام حقوقی ایران هرگونه شکنجه ممنوع دانسته شده است.

8. چگونگی حمایت کیفری از قانون منع شکنجه در حقوق ایران

برای این مورد می توان به فصل دهم از کتاب پنجم⁸ از قانون مجازات اسلامی که به تفصیلات مقامات و مأمورین دولتی اختصاص دارند مراجعه کرد. طبق ماده 570 قانون مجازات اسلامی (اگر هر یک از مأمورین یا مقامات دستگاه های حکومتی که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد را سلب کنند یا آنان را از حقوق مشخص شده در قانون اساسی محروم کند علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد).

ماده ی 578 قانون مجازات اسلامی، مستقیماً جرم شکنجه را مورد توجه قرار داده است. این ماده که تعریف جرم شکنجه را از دیدگاه نظام کیفری ایران عنوان می نماید، ضمانت اجرای بخش از اصل 38 قانون اساسی و صرفاً اخذ اقرار یا اذیت و آزار بدنی را جرم دانسته است. (شکری و سیروس، 1385، 587) که رکن قانونی را تشکیل می دهد.

حقوقدان های اسلامی در تشخیص مصادیق ایذاء، رنجش آدمی را ملاک دانسته اند، عملی که موجب رنج شود را ممنوع شمرده اند.

9. علل منع شکنجه از نظر عقلی

عقل از چند جهت شکنجه را زشت و قبیح می‌شمارد .

الف) عقل تایید میکند که خداوند به دلیل بی‌نیازی و داشتن قدرت مطلق کاری را با انگیزه تشفی جویانه و ستمگرانه انجام نمی‌دهد چرا که با حکمت او مغایرت دارد .

ب) شکنجه موجب شکستن هنجار های اجتماعی می‌شود و سیستم جزایی حاکم بر مردم را که باید مامن و ملجاء ستمدیدگان باشد به چالش می‌گیرید و آنرا از اعتبار می‌اندازد؛ در نتیجه ؛ خسارت جبران ناپذیر و فضای غبار آلود ترس و بیم و نگرانی را در محیط اجتماع تا عمق زندگی شخصی افراد ایجاد می‌نماید و آینده را برای همگان تیره و تار می‌سازد . بدیهی است که عقل کاری را که این همه ضرر و زیان داشته باشد هرگز نمی‌پسندد و مجاز نمی‌داند.

ج) تحمیل شکنجه بر دیگری با اصول عقلی مانند اصل برائت و قاعده نفی سلطه کسی بر دیگری و نیز با کرامت ذاتی انسان منافات دارد و فقهای اسلام به حکم عقل ، آن را ظلم و حرام دانسته اند . (آشتیانی ، بی تا، 85)

د) دلیل عقلی ضرورت افسد به فاسد در باب تراحم، نمی‌توان مجوز اعمال شکنجه توسط مرتکبین آن باشد ، زیرا استناد به این دلیل مورد مطلوب خود را می‌طلبد و مثلاً شکنجه بابت گرفتن اقرار و یا جهت ایذاء را به هیچ وجه شامل نمی‌شود. (بررسی ممنوعیت شکنجه در نظام حقوقی، قاسم حمزه)

10. نتیجه گیری

نظام حقوقی اسلام با منابع وحیانی و نورانی خود، به صراحت مبین تحریم شکنجه است. حقوقدان های اسلامی نیز در مواضع مختلف به عدم تاثیر اقرار ناشی از تعذیب و شکنجه در ثبوت مجازات تصریح کرده اند.

نظام حقوقی ایران به تبعیت از شرع و با نیم نگاهی به کنوانسیون های بین المللی اعمال شکنجه را به طور مطلق ممنوع اعلام کرده است که اصل 38 قانون اساسی شاهکار قانون گذاری جمهوری اسلامی ایران در بحث ممنوعیت شکنجه می باشد. در شریعت اسلامی قانون ممنوعیت شکنجه کاملا متمایز از ساختار نظام حقوق بشر مدرن بوده و نمی توان ادعا نمود آنچه در نظام حقوق بشر به عنوان حق آزادی از شکنجه و در قالب حق مصونیت از شکنجه مورد پذیرش واقع شده به عینیه نظیر ممنوعیت شکنجه در شریعت اسلام است.

1. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب 1368
2. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (1378)، ترمینولوژی حقوق
3. رنجبران، امیرحسین (زمستان 1383)، جایگاه قاعده منع شکنجه در حقوق بین الملل معاصر، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره 7
4. مجتمع فرهنگی آیت الله طالقانی (1383) حقوق بشر در جهان امروز در مجموعه مقالات کنگره بررسی مسائل اساسی حقوق بشر در جهان امروز شرکت سهامی انتشار، چاپ اول
5. معین، محمد (1364)، فرهنگ فارسی، انتشارات امیر کبیر، چاپ هفتم، جلد 2
6. حر عاملی، محمدابن الحسن (1423) تفصیل رسائل الشیعه الی تحصیل مائل الشعریه، انتشارات موسسه آل بیت (حیاء التراث، چاپ سوم، جلد 19
7. دهخدا علی اکبر (1377) لغت نامه دهخدا، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، ج 9
8. قاسم حمزه، بررسی ممنوعیت شکنجه در نظام حقوقی اسلام، 1387
9. دکتر محمد هادی صادقی، ممنوعیت شکنجه در حقوق اسلام، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره هفدهم، شماره اول، پاییز 1380
10. علی اکبر ایزدی فرد و همکاران، مبانی اصل 38 قانون اساسی ایران و تحلیل سیاست کیفری ایران در حمایت از آن، 1392
11. پوریا عسگری، امیرساعد وکیل، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، 1394